

خدایا حرف گیران در کمین اند

حصاری ده که حرفم را نگیرند

دیگر گاهیست که درس فارسی عمومی در دانشگاهها و در تمام رشته‌های تحصیلی دانشگاهی تدریس می‌شود و تعداد بیشماری از دانشجویان در سراسر ایران این درس را به عنوان سه واحد درسی می‌گذرانند. اگر از این دانشجویان سؤال شود که چه خوانده‌اند، بیش از ۹۰٪ آنها خواهند گفت: برگزیده‌ای از متون نظم و نثر فارسی. با وجود گستردگی دانشگاهها و وجود مشتاقان و دوستداران ادبیات فارسی و فرهنگ ایران اسلامی، جای بسی تعجب و تأسف است که داعیه‌داران عرصه علم و ادب و دانشوران توانمند، تاکنون کتاب خوبی برای این درس تدوین نکرده‌اند. کتابهای انگشت‌شماری هم که در این زمینه نوشته شده، چون هدفشان فقط گردآوری متون نظم و نثر بوده است هیچکدام برای تدریس این درس جامع و مطلوب نیست. از میان این کتابها، کتاب برگزیده متون ادب فارسی از کتابهایی است که متون انتخابی آن نه تنها جاذبه و گیرایی ندارد بلکه باعث افسردگی، ملال و انزجار دانشجویان از ادبیات می‌گردد.

تاکنون بر این کتاب نقدهایی نوشته شده اما مؤلفان محترم هیچ ترتیب اثری نداده‌اند. جای بسی تأسف است که این کتاب به چاپ بیست و پنجم با تیراژ چهل هزار رسیده است. حال این سوال مطرح است که چرا هیچکدام از دانشوران در قبال این درس احساس

مسئولیت نکرده و نمی‌کنند؟!

با کمی دقت و واقع‌بینی می‌توان گفت که این مسئله در بردارنده دلایلی چند است:

۱) عدم توجه به این درس و مورد بی‌مهری قرار گرفتن آن از طرف استاد و دانشجو و بالطبع از طرف وزارت فرهنگ و آموزش عالی که در نتیجه آن، این درس از ۴ واحد درسی به سه واحد تقلیل یافت و اساتید فن دم برنیاوردند و به قول معروف آب از آب تکان نخورد.

۲) نداشتن متد و شیوه خاص مؤلفان برای فراهم آوردن یک کتاب مطلوب دانشگاهی.

۳) عدم تمایل اساتید مجرب و اهل فن به تدریس این درس و کم ارزش دانستن آن.

۴) تدریس این درس توسط مدرسانی که تجربه کافی در امر تدریس این درس نداشته و ندارند.

کتابی که با عنوان فارسی عمومی برای دروسنامه دانشگاهی توسط مؤلفان محترم آقای دکتر محمود فتوحی و آقای دکتر حبیب‌الله عباسی نگاشته شده، به منزله چراغ هدایتی است که در تاریکی کورسو می‌زند و جان و روح خواننده را به ادبیات و بزرگان هنر و ادب این مرز و بوم پیوند می‌زند. و در نوع خود کاری بسیار جالب و بی‌نظیر است.

این کتاب بطور کلی حوزه نگرش دانشجویان را نسبت به ادبیات عوض نموده و از طریق آشنایی اجمالی با دانش‌های ادبی، قدرت فهم و درک آنها را بالاتر برده و التذاذ بیشتری از آثار هنری نصیبشان می‌سازد.

قبل از اینکه محاسن این اثر را برشماریم، بهتر است کتاب را ورق بزیم و فصول آن را از نظر بگذرانیم تا نقد و بررسی آن آسانتر و منصفانه‌تر باشد.

کتاب از چهار فصل کلی با عناوین: کلیات ادبی، شعر، نثر و ادبیات داستانی تشکیل یافته و هر کدام از این فصول به بخشهای مختلفی تقسیم شده است. فصل اول به بخشهایی چون زبان چیست؟ ادبیات

چیست؟ و دانش‌های ادبی اختصاص یافته است. در بخش اول و دوم این فصل به طور کلی مؤلفان کوشیده‌اند یک تعریف جامع از زبان بدهند و در مورد کاربرد زبان و اصلی‌ترین نقش آن که همانا ایجاد ارتباط است؛ توضیح بدهند و ارتباط زبان و ادبیات و تفاوت‌های آن را با بیانی ساده و شیوا بنمایانند. و در ادامه آن در مورد کارکرد ادبیات و ارزش‌های مختلف آن نکاتی را یادآور شوند. به نظر می‌رسد زیباترین بخش کتاب همین بخش ارتباط زبان با ادبیات است که دید دانشجویان را در مورد ادبیات و ارزش‌های آن عوض می‌کند؛ خواننده با دیدی وسیعتر و عمیق‌تر به ادبیات می‌نگرد و نگرش او و بالطبع احساس و نتیجه‌گیریش عوض می‌شود و درمی‌یابد که «زبان ماده ادبیات است و آنچه ادبیات نام دارد زبان نیز هست، ادبیات همان زبان است به اضافه یا منهای چیزی دیگر».

بخش سوم این فصل که به دانش‌های ادبی اختصاص یافته به منزله آشنایی اجمالی دانشجویان با دانش‌های ادبی از جمله: انواع ادبی؛ سبک‌شناسی؛ نقد ادبی، بلاغت (بیان - معانی - بدیع) و عروض و قافیه است که به گونه‌ای ساده و روشن در شکل و قالب مقالاتی کوتاه بررسی شده است. مؤلفان بر آن بوده‌اند که همه این دانش‌ها به صورت ساده به خوانندگان معرفی نموده و کاربرد آنها در فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر و التذاذ بیشتر از آثار ادبی بنمایانند. این بخش از جهت آشنایی دانشجویان با دانش‌های ادبی بسیار سودمند است.

فصل دوم به شعر اختصاص یافته است. این فصل شامل بخشهایی از قبیل: شعر چیست؟ قصیده، غزل، مثنوی، قطعه، رباعی، دوبیتی، شعر آزاد (نیمایی و سپید) است. در بخش اول مؤلفان تعاریف مختلفی از شعر از متقدمان و متأخران آورده‌اند که بسیار زیبا و دقیق‌اند. و در نهایت شعر را سفری از جاده زبان به دنیای بی‌کران و ناشناخته روح‌های بزرگ دانسته‌اند. در ادامه عناصر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فارسی عمومی

اصلی شعر را اجمالاً تشریح کرده و در پایان، شعر فارسی را بر اساس شکل بیرونی (قالب) معرفی نموده‌اند.

بدیهی است بدست دادن این تعاریف و توصیفات در مورد شعر، از خلال نوشته‌های شاعران و منتقدان در جای خود بسیار مطلوب و گیرا است.

بخشهای بعدی این فصل که به قالبهای شعری اختصاص یافته مؤلفان با مقالاتی فشرده و موجز و در عین حال ساده و روشن این قالبها را از جهت ساختاری و موضوعی بررسی کرده‌اند؛ به همین منظور در همه این بخشها ابتدا هر کدام از این قالبها تعریف شده و انواع آن از جهت موضوع و محتوا بیان گردیده، و منشأ و سیر تحول هر کدام از قالبها تا عصر حاضر به اجمال بررسی شده است و در پایان هر کدام از این مقالات از مشهورترین سرایندهگان این قالبها نامی به میان آمده است. بعد از آن چندین نمونه شعری مطلوب بر مبنای ترتیب تاریخی آن قالبها ذکر شده است.

برای نمونه بخش سوم این فصل که به غزل اختصاص یافته؛ مؤلفان ابتدا تعریف غزل، موضوعات آن، منشأ و سیر تحول آنرا بررسی نموده‌اند و انواع آنرا تحت عناوین: غزل عاشقانه، عارفانه، تلقی، مضمونی، سیاسی و وطنی، نو و حماسی ذکر کرده و توضیح مختصری درباره هر کدام داده‌اند و برای هر کدام از این انواع، نمونه‌هایی ذکر کرده‌اند این بخش مشتمل بر ۴۰ غزل است که بر اساس سیر تاریخی از شاعرانی چون رودکی، دقیقی، انوری، حافظ، سعدی، مولوی، عطار، شهریار، ابتهاج، شفیعی کدکنی و قیصر امین پور آمده است.

بخش آخر این فصل با عنوان شعر آزاد (نیمایی - سپید) آمده است. ابتدا تعریفی درباره آن داده شده و ویژگیهای آن را برشمرده و عناصر اصلی آنرا در چهار قلمرو عاطفه، تخیل، زبان و موسیقی که موجب تفاوت شعر آزاد با شعر سنتی می‌شود به اجمال بررسی

نموده‌اند. در ادامه بحث از چگونگی پیدایش شعر نیمایی و آزاد، سیر تحول آن و شعرای معروف و مشهور این نوع شعر سخن رفته و در پایان ۱۹ قطعه در قالب آزاد، از شاعرانی برجسته چون نیما، شاملو، اخوان، سپهری، فروغ فرخزاد، مشیری، شفیعی کدکنی، گرماردی و قیصر امین پور ارائه شده است.

عنوان فصل سوم این کتاب نثر است و مؤلفان کوشیده‌اند که تعریفی از نثر بدست دهند و آنرا از سه دیدگاه: صورت، محتوا، و دیدگاه تاریخی مطرح کنند.

نثر از دیدگاه صورت به نثر ساده (مرسل) ۲ - نثر فنی ۳ - نثر آهنگین (ساده و فنی) تقسیم شده است. از لحاظ موضوع و محتوا به: ۱- نثر تاریخی ۲- نثر دینی، مذهبی، اخلاقی ۳- عرفان ۴- علمی ۵- ادبی ۶- اداری (دیوانی) اختصاص یافته است.

هدف آنها در این فصل معرفی نثر فارسی از دیدگاه تاریخی بوده است؛ به همین منظور سیر تحول و دگرگونی نثر فارسی را بر مبنای ترتیب زمانی نشان داده‌اند.

بدیهی است این روش از جهاتی سودمند است چون در واقع سیر تحول زبان فارسی و توانمندی آن را در بستر تاریخ نشان می‌دهد.

در این بخش ده دوره برای سیر تاریخی نثر فارسی در نظر گرفته شده است: ۱) سده ۳ و ۴ تا نیمه نخست سده ۵، نثر ساده و مرسل، ۲) پایان سده ۵ تا آغاز سده ۶، نثر میان ساده و فنی، ۳) سده ۶، نثر فنی، ۴) سده ۷، نثر مصنوع، ۵) سده ۸، نثر میان مصنوع و ساده، ۶) سده ۹ تا آغاز ۱۰، نثر ساده خوب، ۷) سده ۱۰ تا میانه ۱۲، نثر ساده سست و معیوب، ۸) سده ۱۳ (دوره قاجار) نثر ساده خوب، ۹) عصر مشروطه، نثر ساده مردمی و روزنامه‌ای، ۱۰) بعد از ۱۳۰۰ ش. نثر داستانی و دانشگاهی.

در ادامه، اختصاصات سبکی نثر را در این ده دوره به اجمال بررسی نموده و آثار مشهور این نمونه‌ها را نام

برده‌اند.

در این فصل ۴۰ قطعه نثر انتخاب شده است که اولین قطعه آن از مقدمه شاهنامه ابومنصوری و آخرین آن از سیدابراهیم نبوی است. در انتخاب متنها دقت و وسواسی مشاهده می‌شود که در بخش بعدی مقاله ذکر خواهد شد.

فصل چهارم که در واقع آخرین فصل کتاب است به ادبیات داستانی اختصاص یافته است. این فصل شامل چند بخش کوتاه با عناوین: داستان، اسطوره، حکایات تمثیلی، رمانس، داستان کوتاه و رمان است. در بخش اول این فصل که تحت عنوان داستان چیست؟ مؤلفان بر آن بوده‌اند که ابتدا تعریفی از داستان بدهند و نقش آنرا در زندگی بشر یادآور شوند. از آنجا که داستان یکی از انواع گسترده است و فروغی جداگانه دارد؛ ادبیات داستانی را به شاخه‌های مختلفی از جمله: قصه، رمانس، داستان کوتاه، و رمان تقسیم نموده و برای هر کدام از این شاخه‌ها زیرمجموعه‌های دیگری در نظر گرفته‌اند. برای مثال قصه شامل اسطوره، حکایت، حکایت تمثیلی، افسانه پریان و افسانه پهلوانان است. رمانس به دو شاخه: رمانس شهسواری و رمانس روستایی داستان کوتاه به سه شاخه داستانک، داستان کوتاه (ناول) و ناول بلند و رمان به رمان کوتاه، متوسط و بلند تقسیم شده است.

در این بخشها سعی شده هر کدام از این عناوین تعریف شود و منشأ و سیر تحول آن تا زمان حاضر به صورتی مختصر بررسی گردد و در پایان هر بخش قطعاتی دلنشین برای نمونه ذکر شود. مثلاً در پایان بخش اسطوره دو قطعه از بندهشن و مرصاد العباد ذکر شده است. نمونه‌ای که برای رمانس انتخاب شده قطعه‌ای از داستان سمک عیار است و حکایاتی که در بخش حکایت تمثیلی آمده از بهارستان و سندبادنامه است. نمونه‌های داستان کوتاه از جلال آل احمد (سه تار) و بیژن نجدی (گیاهی در قرنطینه) است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

عفت نقابی

محمود فتوحی، حبیب الله عباسی

نشر روزگار

چاپ اول، ۱۳۷۸



فارسی عمومی
درست‌نامه‌ی دانشگاهی
دکتر محمود فتوحی، حبیب‌الله عباسی

این بخش نیز همچون بخش اول از جاذبه و گیرایی خاصی برخوردار است و دانشجو را به ادبیات داستانی و شاخه‌های مختلف آن علاقه‌مند ساخته و خواننده را به خواندن ادبیات داستانی برمی‌انگیزاند و قدرت تمیز و تشخیص او را در زمینه آشنایی با ادبیات داستانی وسعت می‌بخشد.

حال با توجه به معرفی اجمالی فصلهای کتاب و به مصداق «عیب می‌جمله بگفتی هنرش نیز بگو» برعکس ابتدا محاسن این کتاب را برای خوانندگان برشمرده و بعد از آن به نواقص آن روی خواهیم آورد. چشم‌گیرترین شاخصه‌ای که این کتاب را از دیگر کتابهای فارسی عمومی جدا می‌سازد، متد و شیوه خاصی است که مؤلفان در این کتاب برگزیده‌اند و آن ساختار منطقی و منظم آن است به بیانی دیگر دو نگرش کلی بر کتاب حاکم است: ۱) طبقه‌بندی صوری ادبیات (۲) سیر تاریخی آثار ادبی (نظم و نثر). بطوریکه در همه فصلها و بخشهای کتاب این طبقه‌بندی مراعات شده و از این جهت این کتاب از نظم و انسجام خاصی برخوردار است.

۲) شایان ذکر است که آموزش ادبیات در ایران با شیوه‌های اروپایی تفاوت‌های بسیار دارد. در ایران آموزش ادبیات بیشتر ناظر بر عناصر صوری بوده‌اند تا نگاهی ایستا.

معلمان و مدرسان ادبیات هم متأسفانه به درونه متن ادبی و تفسیر و تأویل ادبیات تمایل چندانی نشان نمی‌دهند، بحث در صورت و تحلیل عناصر صوری نیز از قلمرو بدیع و معانی و بیان سنتی فراتر نمی‌رود.

مؤلفان با طرح مباحثی پیرامون زبان، ادبیات، ارتباط این دو با هم و تفاوت آنها؛ وظیفه ادبیات و دانش‌های ادبی همچون سبک‌شناسی، بلاغت (بدیع - بیان - معانی) و نقد پنجره‌های تازه‌ای را به روی کلاس‌های فارسی عمومی گشوده‌اند.

۳) توجه به شکل و فرم خاص متن‌های انتخابی، احساس می‌شود که در بخش نثر مؤلفان نوعی تمرد در

انتخاب شکل و صورت متن‌ها داشته‌اند و بدین منظور بخش‌هایی داستانه‌گونه از متون قدیم برگزیده‌اند که از حیث ادبیات تعلیمی کارکرد بسیار بالایی دارند. و حکمت‌ها و اندرزها را در قالب داستان و حکایت در ذهن مخاطب نگاه می‌دارند. داستان خبشخانه هرات (تاریخ بیهقی)، امانت‌داری دزدان (قابوسنامه)، امیر اسیر (سیرالملوک)، زاهد و راسو (کلیله و دمنه)، حکایات زیبای اسرارالتوحید، روپاه و خروس (مرزبان‌نامه)، اهل علم و اهل دنیا (مقالات شمس) و خروج تارابی (جهانگشای جوینی) از این نمونه‌اند.

بدیهی است که این ویژگی [توجه به شکل و فرم منسجم] در بخش مثنوی‌ها و قطعه‌ها به وضوح آشکار است: ۱۱ مثنوی از ۱۷ مثنوی، ۵ قطعه از ۹ قطعه، ۲۳ بخش از ۳۸ بخش نثر و همه منتخبات بخش ادبیات داستانی، دارای ساختار روایی است. باید توجه داشت که عنصر روایت در ساختار متن موجب می‌شود که متن از انسجام بیشتر و مقبولیت زیادتری برخوردار شود و در ذهن دانشجو ماندگار باشد.

جالب توجه است که مؤلفان محترم متوجه این شگرد و قدرت جادویی آن بوده و به نحو مطلوب از آن استفاده کرده‌اند؛ تا خواننده با خواندن این متون پند و اندرزهای عملی دریافت کند و جاننش از کمالات و ارزش‌های انسانی سیراب گردد.

۴) وجود مقالات کوتاه در آغاز کتاب، باب آشنایی با ادبیات را می‌گشاید و دانشجو با خواندن این مقالات نگرشی تازه و بدیع نسبت به ادبیات و دانش‌های ادبی پیدا می‌کند. مهمترین ویژگی این مقالات: اختصار، سادگی و روشنی آن است که از این راه دانش‌های ادبی و انواع آن برای دانشجو قابل فهم می‌شود.

۵) سیر تاریخی انواع ادبی (شعر و نثر). این ویژگی در همه بخشهای این کتاب به طور وضوح رعایت شده بطوریکه اولین شعر از رودکی و آخرین قطعه انتخابی از قیصر امین‌پور است. اولین قطعه منثور از مقدمه شاهنامه ابومنصوری و آخرین آن از سیدابراهیم نبوی

است.

۶) مؤلفان برای شناساندن ادبیات حتی گاه نمونه‌هایی از انحطاط نثر فارسی را آورده‌اند که نمونه نثر صورت‌پرداز و بی‌محتوای قرون دهم تا دوازدهم است. البته این شیوه با عرف رایج گزینه‌نویسی چندان تناسبی ندارد. نمونه‌ای از این نوع نثر در صص ۱۹۲ و ۱۹۳ آمده است.

۷) مؤلفان برای آشنایی و درک بیشتر دانشجویان از مقالات، منابع مختلفی در پایان هر بخش ذکر کرده‌اند تا طالبان علم برای مطالعه بیشتر و عمیق‌تر در هر کدام از زمینه‌ها به این منابع مراجعه نمایند.

۸) کتاب، گزیده‌های نسبتاً مطلوبی دارد و سعی شده است از متونی انتخاب شود که مؤلفان آنها از شهرت خاصی در بین ادیبان برخوردارند. مثلاً در بخش قصاید ۸ قصیده انتخابی از ناصر خسرو، فرخی، منوچهری، انوری، سنایی، خاقانی، بهار و اخوان ثالث است. در دیگر انواع ادبی نیز این شاخصه حفظ شده است.

با توجه به اینکه کار ما در این مقاله نقد و بررسی این اثر است نواقصی نیز در آن به چشم می‌خورد که باید یادآور شد. به این امید که مؤلفان محترم در چاپ‌های بعدی ترتیب اثری بدهند.

۱) باید اذعان داشت که جای پاره‌های مفاهیم ادبی در این کتاب خالی است و به نظر می‌رسد اگر در کتاب اغراض و مفاهیم عمده ادبیات مطرح می‌شد کمک شایانی به درک مفاهیم می‌کرد. در این کتاب از بحث انواع ادبی یعنی ادبیات غنایی (عشقی و عرفانی)، ادبیات تعلیمی و ادبیات نمایشی غفلت شده است. همچنین از مفاهیم عمده ادبی مثل عرفان، اخلاق و طنز در ادبیات سخنی به میان نیامده درحالی‌که می‌بایست این مفاهیم عمده حتی به صورت مختصر بحث می‌شده هر چند نمونه‌هایی از این مفاهیم در بخش شعر و نثر آمده اما بسنده نیست.

۲) متنوع نبودن نمونه‌های انتخابی در بعضی قالبهای ادبی. این ویژگی در بخش شعر آزاد و رباعی و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



